

زرافشانِ شعر

مفهوم‌شناسی وطن در دیوان گل‌رخسار صفی‌اوا

ابراهیم خدایار



بہارِ افغانیہ



زرافشانِ شعر

مفهوم‌شناسی وطن در دیوان گل‌رخسار صفی‌اوا

نوشته

ابراهیم خدایار

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس



انتشارات نگارستان اندیش

تهران ۱۴۰۱

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
یادداشت
عنوان دیگر
موضوع
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

خدایار، ابراهیم، ۱۳۴۵.
زرافشان شعر : مفهوم‌شناسی وطن در دیوان گل‌رخسار / نوشته ابراهیم خدایار.
تهران: نگارستان اندیشه : دانشگاه تربیت مدرس، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی، ۱۴۰۱.
۲۲۸ ص.؛ ۵/۱۴×۲۱×۵ س.م.
978-622-5273-29-0
کتابنامه: ص. [۲۱۳]-۲۲۷. نمایه.
مفهوم‌شناسی وطن در دیوان گل‌رخسار
صفی‌آوا، گلرخسار، ۱۹۴۷ - م. -- نقد و تفسیر. زنان شاعر تاجیکی -- قرن ۲۰ م. شعر
تاجیکی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد. میهن در ادبیات. ملی‌گرایی در ادبیات.
دانشگاه تربیت مدرس، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی
۹۱۷۱ PIR
۶۲/۱ ت.ج
۹۰۶۱۳۰۵

زرافشان شعر

مفهوم‌شناسی وطن در دیوان گل‌رخسار صفی‌آوا

ابراهیم خدایار

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

ناشر: نگارستان اندیشه

ویراستار: فاطمه هادی

طراح جلد: سعید صحابی

نمونه خوانی و نمایه‌سازی: وحید دریابیگی

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

نوبت چاپ: نخست ۱۴۰۱

قیمت: ۱۳۰ هزار تومان

چاپ و صحافی: سروش

کتاب با همکاری مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه تربیت مدرس چاپ شده است.

همه حقوق نشر برای ناشر محفوظ است.

نقل بخش‌هایی از متن با ذکر منبع مجاز است.

نشانی: خ وحید نظری، بن بست فرزانه، شماره ۱۱، واحد ۳

تلفن: ۶۶۴۳۵۴۱۶ نمایه: ۶۶۹۴۲۵۴۲

www.cins.ir-info@cins.ir



انتشارات نگارستان اندیشه

پیشکش به پیشگاهِ حضرت استادى،
جناب آقاى دکتَر تقى پورنامداریان،
منتقد ادبى، عرفان پژوه، شاعر و نازنین استادِ
فرشته‌خوبى که "هرچه دارم زِ یمنِ دولتِ اوست".

ا. خ

فهرست

پیشگفتار.....	۱۱
فصل نخست: مقدمه و کلیات.....	۱۳
۱-۱. درآمد.....	۱۳
۱-۱-۱. پرسش‌های پژوهش.....	۱۵
۱-۱-۲. فرضیه‌های پژوهش.....	۱۵
۱-۲. پیشینه پژوهش و جنبه نوآورانه آن.....	۱۷
۱-۲-۱. درباره شعر معاصر تاجیک و گل‌رخسار صفی‌اوا.....	۱۷
۱-۲-۲. آثار پژوهشی در زمینه مفهوم وطن.....	۱۹
۱-۳. روش پژوهش، شیوه جمع‌آوری اطلاعات و جامعه آماری پژوهش.....	۲۱
۱-۴. اهداف پژوهش.....	۲۲
فصل دوم: دختر زرافشان (سیری در زندگی و آثار گل‌رخسار).....	۲۳
۲-۱. زندگی‌نامه.....	۲۳
۲-۱-۱. مقدمه.....	۲۳
۲-۱-۲. نگاهی کوتاه به زندگی گل‌رخسار.....	۲۵
۲-۱-۳. گل‌رخسار و محیط ادبی ایران.....	۲۷
۲-۱-۴. سال‌شمار زندگی شاعر.....	۳۳
۲-۱-۵. میراث شعری گل‌رخسار در ایران.....	۳۶
۲-۱-۵-۱. کتاب.....	۳۶
۲-۱-۵-۲. پایان‌نامه.....	۳۹
۲-۱-۵-۳. مقاله و گفت‌وگو.....	۴۵
۲-۲. گل‌رخسار و جایگاه وی در ادبیات معاصر تاجیک.....	۴۷

فصل سوم: آب و آینه (دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک و تحلیل وطن در میراث شعری

گل‌رخسار).....	۵۷
۳-۱. دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک.....	۵۷
۳-۱-۱. ملاحظات تاریخی.....	۵۷
۳-۱-۱-۱. معارف‌پروری / روشنگری (۱۸۷۰-۱۹۰۵م).....	۵۸
۳-۱-۱-۲. تجددگرایی (۱۹۰۵-۱۹۱۷م).....	۵۹
۳-۱-۱-۳. پیدایش ادبیات شورایی (۱۹۱۷-۱۹۲۹م).....	۶۰
۳-۱-۱-۴. رشد و استحکام ادبیات شورایی (۱۹۲۹-۱۹۵۳م).....	۶۱
۳-۱-۱-۵. آغاز زوال ادبیات شورایی و بازگشت نرم به سنت (۱۹۵۳-۱۹۸۵م).....	۶۲
۳-۱-۱-۶. در آستانه بیداری و آزادی (۱۹۸۵-۱۹۹۱م).....	۶۳
۳-۱-۱-۷. استقلال و خودآگاهی ملی (۱۹۹۱ تا کنون).....	۶۴
۳-۱-۲. دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک و جریان‌های تأثیرگذار در آن.....	۶۴
۳-۲. تحول مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک.....	۷۵
۳-۲-۱. شهر بی‌فرشته: وطن در دوره معارف‌پروری (۱۸۷۰-۱۹۰۵م).....	۷۵
۳-۲-۲. خراب‌آباد: وطن در دوره تجددگرایی (۱۹۰۵-۱۹۱۷م).....	۸۰
۳-۲-۳. زندانی قلعه عقاب‌های سرخ: وطن در ادبیات شورایی (۱۹۱۷-۱۹۹۱م).....	۸۶
۳-۲-۴. بر شانه‌های سیمرخ: وطن در دوره استقلال و خودآگاهی ملی (۱۹۹۱ تا کنون).....	۹۰
۳-۳. تحلیل نوستالژی وطن در میراث شعری گل‌رخسار صفی‌آوا.....	۹۳
۳-۳-۱. وطن در بستر قالب‌های ادبی.....	۹۴
۳-۳-۱-۱. غزل.....	۹۶
۳-۳-۱-۲. قطعه.....	۹۹
۳-۳-۱-۳. مثنوی.....	۹۹
۳-۳-۱-۴. چهارپاره.....	۱۰۰
۳-۳-۱-۵. قالب‌های دیگر.....	۱۰۱
۳-۳-۱-۶. رباعی و دوبیتی.....	۱۰۷
۳-۳-۱-۷. نوسروده‌ها.....	۱۱۰
۳-۳-۲. تحلیل وجوه نوستالژی وطن در دیوان گل‌رخسار.....	۱۱۰
۳-۴. گل‌رخسار و هویت ملی فارسی‌زبانان.....	۱۱۶
۳-۴-۱. چهارچوب نظری ناسیونالیسم.....	۱۱۶
۳-۴-۱-۱. از نظر لغوی.....	۱۱۶
۳-۴-۱-۲. از نظر اصطلاحی.....	۱۱۷

۱۱۹	۳-۴-۱-۳. دوره‌بندی تحولات ناسیونالیسم
۱۲۳	۳-۴-۲. سازه‌های کلان هویت ملی آریایی تباران در دستگاه اندیشگانی گل‌رخسار
۱۲۳	۳-۴-۲-۱. سرزمین مادری آریایی‌ها: آریانا
۱۲۹	۳-۴-۲-۲. نظام اسطوره‌ای ملی: ملت خورشید
۱۳۴	۳-۴-۲-۳. تبار ملی: ایران و توران
۱۴۰	۳-۴-۲-۴. زبان ملی (در قاپ زبان مادری)
۱۴۲	۳-۴-۲-۵. شاهکار ملی: شاهنامه فردوسی

فصل چهارم: جام بلور (برگزیده وطن‌سروده‌های گل‌رخسار به همراه معرفی و تحلیل کوتاه برخی از آن‌ها)

۱۵۳	۴-۱. اشاره
۱۵۳	۴-۲. مزیع صد پاره (وطن‌سروده‌های ۱۹۹۰م)
۱۷۶	۴-۳. جمع پریشان (وطن‌سروده‌های ۱۹۹۱م)
۱۷۶	۴-۳-۱. «پیکر فرسوده»
۱۸۰	۴-۳-۲. «رسوای وفای وطن»
۱۸۳	۴-۴. چهار فصل زمستانی (وطن‌سروده‌های ۱۹۹۳م)
۱۸۳	۴-۴-۱. «خستگی»
۱۸۵	۴-۴-۲. «بهار سرمازده»
۱۸۷	۴-۴-۳. «بعد از هزار سال»
۱۸۹	۴-۵. چشم شب‌پرستان (وطن‌سروده‌های ۱۹۹۴م)
۱۸۹	۴-۵-۱. «جنگل»
۱۹۱	۴-۵-۲. «چهار ضرب»
۱۹۵	۴-۶. شب‌های بی‌خوابی (وطن‌سروده‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵م)
۱۹۵	۴-۶-۱. «جام بلور»
۱۹۷	۴-۶-۲. «نقش در سنگ»
۲۰۰	۴-۷. زیباترین عشق (وطن‌سروده‌های ۱۹۹۵م)
۲۰۰	۴-۷-۱. «ظلمت»
۲۰۱	۴-۷-۲. «شهر بی‌فرشته»
۲۰۲	۴-۸. آینه چشم وطن (وطن‌سروده‌های ۱۹۹۶م)
۲۰۲	۴-۸-۱. «آینه سرشک»
۲۰۳	۴-۸-۲. «تمنا»

۲۰۴	 «بی‌متکا» ۴-۸-۳
۲۰۴	 «روز محشر» ۴-۸-۴
۲۰۶	 «رگِ آتش» ۴-۸-۵
۲۰۸	 «پایانِ آتش و خون (وطن سروده‌های ۱۹۹۷م)» ۴-۹
۲۰۸	 «زبان آتش» ۴-۹-۱
۲۱۰	 «زمستان» ۴-۹-۲
۲۱۱	 «سنگر» ۴-۹-۳

۲۱۳	 فصل پنجم: هستی‌میهن (فرجام سخن و جمع‌بندی)
۲۱۳	 ۵-۱. ارزیابی فرضیه‌ها
۲۱۶	 ۵-۱-۱. وطن جغرافیایی
۲۱۷	 ۵-۱-۲. وطن تاریخی
۲۱۷	 ۵-۱-۳. وطن فرهنگی

۲۲۰	 منابع
۲۲۰	 ۱. فارسی
۲۲۹	 ۲. انگلیسی
۲۲۹	 ۳. تاجیکی

پیشگفتار

نقش ماوراءالنهر در شکل‌گیری زبان و ادب فارسی و هویت‌بخشی به فارسی‌زبانان جهان ایرانی بسیار برجسته است. این منطقه از نظر جغرافیایی هرچند تا سدهٔ دهم هجری / شانزدهم میلادی با ایران دارای سرنوشت سیاسی و فرهنگی مشترک بود، از این تاریخ به بعد با تشکیل سلسلهٔ صفویه در ایران و شیانیان در بخارا از منظر مذهبی و سیاسی سرنوشت مستقلی یافت. در نیمهٔ دوم سدهٔ نوزدهم روسیه بخش بزرگی از این منطقه را به اشغال خود درآورد و ابتدا با از بین بردن خان‌نشین خوقند (۱۸۷۶)، دو خان‌نشین خوارزم (۱۸۷۳ م) و بخارا (۱۸۶۸ م) را تحت قیمومیت خود درآورد. این وضعیت تا سال ۱۹۲۴ م. ادامه یافت تا اینکه با تقسیم‌بندی‌های نوین در منطقه، پنج جمهوری مستقل در آسیای مرکزی تأسیس شد. با تأسیس این جمهوری‌ها که با شکل‌گیری هویت‌های بومی و تغییر هویت فارسی به تاجیکی (تغییر زبان فارسی به تاجیکی و خط فارسی به خط لاتین و بعدتر سیریلیک) همراه بود، روند دوری مردم فارسی‌زبان منطقه، به‌ویژه تاجیکان آریایی‌نژاد از میراث خود بیشتر نمایان شد. مرگ استالین (۱۹۵۳ م.) و سپس کسب استقلال کامل جمهوری‌های آسیای مرکزی از اتحاد شوروی سابق (۱۹۹۱ م.) میل بازگشت به میراث نیاکان را در میان تاجیکان این سرزمین احوارایی احیا کرد. این میل در قالب شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی در میان مردمان منطقه نمودار شد. رنگ‌وبوی ناسیونالیسم شکل گرفته در میان تاجیکان را می‌توان علاوه بر شباهت ظاهری آن با الگوهای کلی در منطقه که بیشتر بر پایهٔ قومی استوار بود، در فضای ملی و فرهنگی تحلیل کرد؛ بنابراین، آن‌ها توانستند با رخنه در تاریخ مشترک و بازخوانی آن، با فارسی‌زبانان ایران پیوندی وثیق برقرار کنند. گل‌رخسار

صفی‌اوا، یکی از تأثیرگذارترین شاعران معاصر تاجیکستان در روند شکل‌گیری و گسترش این نوع ناسیونالیسم فرهنگی است. دیوان این بانوی شاعر سرشار از دعوت به یکپارچگی هاست.

نگارنده این جستار به دلیل مأموریت فرهنگی به تقریب پنج‌ساله، در کسوت رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در کنار مردمان صمیمی کشورهای به‌جان برابر ازبکستان (۱۳۷۸-۱۳۸۱) و تاجیکستان (۱۳۹۴-۱۳۹۵)، همواره خود را عضوی از این خانواده بزرگ می‌داند؛ بنابراین، هر کاری را که به تقویت پیوندهای مردمان دو منطقه بینجامد از جمله واجبات عینی به حساب آورده‌است و زین پس نیز به‌شمار خواهد آورد. اندیشه تألیف این تکی‌نگاری را نیز باید به سال‌های حضور در این منطقه برابر دانست. این روزها که از وطن نخستینم دورم، همواره می‌کوشم خود را با گلابِ یادشان سرمست و دین خود را به این مادروطن ادا کنم. بخش‌هایی از این نوشته از سال ۱۳۹۷ در نشریات، روزنامه‌ها، مجلات پژوهشی و وبگاه‌های ایران منتشر شد. اینک خدای بزرگ را سپاسگزارم که این کمترین را توفیق داد تا اصل آن را تمام‌وکمال و در قالب کتاب در اختیار علاقه‌مندان فرهنگ و ادب آن سوی جیحون قرار دهم.

در به سامان رسیدن پژوهش، سرکار خانم فاطمه هادی، ویراستار و سرکار خانم زینب نورپور جویباری، صفحه‌آرا و حروف‌نگار، ایفای نقش داشتند. برای هردو عزیز، آرزوی تندرستی و موفقیت روزافزون دارم. جناب آقای دکتر صادق حیدری‌نیا، مدیرعامل فرهیخته نگارستان اندیشه در انتشار کتاب متقبل زحمت شدند. از درگاه خدواند بزرگ برای ایشان کامیابی‌های فراوان خواهانم. عطف توجه این انتشارات به سرنوشت برادرانمان در ماوراءالنهر مرهون نگاه‌بلند و فرهنگ‌مدار شخص ایشان است.

و ما توفیقی الا بالله

ابراهیم خدایار

فصل نخست

مقدمه و کلیات

۱-۱. درآمد

با شروع گلاسنوست و پروسترویکا در سال‌های پایانی دههٔ نودم میلادی در اتحاد جماهیر شوروی سابق، نسیم ناسیونالیسم قومی در میان کشورهای درون این اتحادیه وزیدن گرفت و بازگشت به هویت ملی و اسلامی در صدر مطالبات فرهنگی کشورهای گونه‌گون زبان شورایی قرار گرفت. فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ م. و قدرت گرفتن حکومت‌های استقلال‌یافته، فضای جهان‌وطنی تبلیغ‌شده در دوران شوارها را یکسره به فراموشی سپرد. در این میان، شاعران فارسی‌زبان تاجیکستان که خود را پارهٔ جدامانده از ایران بزرگ می‌دیدند، در قالب ستایش از ایران، شهرهای تاریخی و فرهنگ و ادبیات مشترک به دامن مام وطن، وطن تاریخی، بازگشتند. گل‌رخسار صفی‌اوا (تولد ۱۹۴۷ م.) یکی از برجسته‌ترین نمایندگان جریان ایران‌گرایی شعرِ معاصر تاجیک است که توانسته با میراث ادبی خود در شکل‌گیری و استمرارِ هویتِ مشترکِ آریایی‌نژادان و فارسی‌زبانان در آسیای مرکزی، به‌ویژه در تاجیکستانِ دورهٔ استقلال، نقشِ مهمی ایفا نماید. این بانوی شاعر تاجیک، برداشت متفاوتی از وطن در دستگاه اندیشگی خود دارد. وی با قرار گرفتن در فضای ناسیونالیسم فرهنگی و پناه بردن به خاطرات مشترک دو ملت و یادآوری پی‌درپی آن‌ها، حسِ نوستالژیک عمیقی در مخاطبِ خود نسبت به گذشتهٔ مشترک ایجاد می‌کند. در نگاه وی، تمام آریایی‌نژادان فارسی‌زبان که از پیشینهٔ مشترک اسطوره‌ای و تاریخی برخوردارند، هرچند شهروند کشورهای مختلف باشند، هم‌وطن به‌شمار می‌روند. در این پژوهش، مفهوم

«نوستالژیِ رمانتیکِ وطن» به مثابه یکی از نمودهای برجسته رمانتیسم در شعر این شاعر در چهارچوب مکتب رمانتیسم با تکیه بر مجموعه اشعار شاعر (تهران: نگاه، ۱۳۹۵، ۷۵۲ص) به گونه نقد کشیده شد.

با تشکیل جمهوری‌های مستقل شورایی در آسیای مرکزی در سال ۱۹۲۴م، جمهوری خودمختار سوسیالیستی تاجیکستان در محدوده جمهوری ازبکستان به پایتختی شهر دوشنبه تأسیس شد. این جمهوری در سال ۱۹۲۹م. در ردیف جمهوری‌های مستقل اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار گرفت. زبان مردم این جمهوری که تا پیش از این فارسی نام داشت، با نام زبان تاجیکی، به زبان رسمی و دولتی جمهوری نوپای تاجیکستان ارتقا یافت. از این تاریخ به بعد، هرچند زبان روسی و هویت جدید با به حاشیه راندن زبان و هویت بومی، آنان را به سمت اندیشه جهان‌وطنی سوسیالیستی سوق داد، زبان و هویت تاجیکی از سوی مقامات دولتی در سطوح مختلف جامعه گسترش یافت. درست است که این موضوع هر روز بر دامنه دوری مردمان این منطقه از ایران و هویت مشترک با فارسی‌زبانان افزود و آنان را در کنار ستایش وطن تازه شکل گرفته، به سمت جهان‌وطنی سوسیالیستی و ستایش اتحاد جماهیر شوروی سوق داد، با این حال، یگانگی‌های تاریخی مردمان این منطقه با ایران و فارسی‌زبانان به رغم همه تلاش‌های صورت گرفته، هرگز به طور کامل قطع نشد. با مرگ استالین در سال ۱۹۵۳م. و روی کار آمدن خروشچف (۱۹۵۳-۱۹۶۴م) و روند استالین‌زادگی وی، میل بازگشت به سنت‌های نیک نیاکان و احیای نمادهای آن در میان روشنفکران منطقه زنده شد. در این سال‌ها، فرهیختگان تاجیک با پیشتازی در عرصه فرهنگ و ادب، نقش برجسته‌ای در شکل دهی به هویت جدید به عهده گرفتند. آنان با درک اهمیت نزدیکی به ایران و زبان فارسی، موضوعاتی را در اشعار خود به کار بردند که تا پیش از این در میراث ادبی تاجیکان سابقه نداشت. جریان هویت‌یابی و خویشتن‌شناسی تاجیکان و دیگر بومیان منطقه با روی کار آمدن گورباچف (۱۹۸۵م.) و آزادی‌های ایجاد شده از سوی وی، قوت بیشتری گرفت تا اینکه با فروپاشی شوروی و استقلال این کشورها در سال ۱۹۹۱م، دوره احیای واقعی فرهنگ فارسی‌زبانان در منطقه آغازیدن گرفت. تحلیل شکل‌گیری ناسیونالیسم فرهنگی در

دستگاه اندیشگی گل رخسار صفی‌اوا (تولد ۱۹۴۷ م.)، بانوی شاعرِ معاصرِ تاجیک، در قالب نوستالژیِ رمانتیکِ وطن، هستهٔ اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. مسئلهٔ اصلی پژوهش این است که شاعر در مسیر تحول اندیشگی خود از دورانِ شوراها تا استقلال و از استقلال تا کنون چه تعریفی از مفهوم وطن در ذهن خود داشته و این مفهوم چگونه در دیوان شاعر منعکس شده است؟

۱-۱-۱. پرسش‌های پژوهش

۱-۱-۱-۱. چه تلقی‌ای از مفهوم وطن در دستگاه اندیشگی گل رخسار صفی‌اوا می‌توان به تصویر کشید؟

۱-۱-۱-۲. با توجه به دیوان شاعر، وطن در دستگاه اندیشگی شاعر چه سیر تکاملی‌ای را طی کرده است و این سیر چه ارتباطی با تحولات تاریخی شکل گرفته در آسیای مرکزی در دورهٔ معاصر (اواخر سدهٔ نوزدهم تا اواخر سدهٔ بیستم میلادی) دارد؟

۱-۱-۲. فرضیه‌های پژوهش

۱-۱-۲-۱. گل رخسار صفی‌اوا پس از فضای باز ایجادشده در دورهٔ خروشچف (۱۹۵۳-۱۹۶۴ م.) که شکل نهایی خود را در دورهٔ گورباچف (۱۹۸۵-۱۹۹۱ م.) و استقلال (۱۹۹۱ م. به بعد) پیدا کرد، تلقی متفاوتی از وطن در دستگاه اندیشگی خود داشته است. این بانوی شاعر که در دورهٔ شوراها در کنار سایر شاعران تاجیک علاوه بر توجه به وطن جغرافیایی در قالبِ جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان، مُبلغِ اندیشهٔ جهان‌وطنی سوسیالیستی در قالب اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی نیز بود، پس از دههٔ شصت و هفتاد میلادی سدهٔ بیستم در کنار عطف توجه به وطن جغرافیایی به ستایش وطن تاریخی و فرهنگی در قالبِ سرنوشت اقوام آریایی‌نژاد فارسی‌زبان پرداخت. این روند در دههٔ نود و فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ م. شتاب گرفت و موجب شد مفهوم وطن علاوه بر اطلاق آن به زادگاه و کشور شاعر-که امری کاملاً بدیهی است و وابسته به نوع نگاه هر شاعر تجلیات مختلفی در شعر وی می‌یابد- بیش از همه در میراث فرهنگی و تاریخی شاعر که ریشه در اسطوره‌های قوم وی دارد و تا

تاریخ واقعی‌اش ادامه یافته‌است، نمود پیدا کند. هم از این رو از دید این شاعر، مردمان تاجیک به‌رغم اینکه از سال ۱۹۲۴ م. شهروند تاجیکستان به‌شمار می‌روند، با تمام آریایی‌نژادان و فارسی‌زبانان جهان که با یکدیگر میراث مشترک هزاران ساله فرهنگی و تاریخی دارند، هم‌وطن باشند.

۲-۱-۱. تحلیل اشعار شاعر براساس سیر تاریخی آن نشان داد شاعر سه مفهوم متفاوت و در عین حال، درهم‌تنیده از وطن در دستگاه اندیشگانی خود داشته‌است: وطن جغرافیایی؛ وطن تاریخی؛ وطن فرهنگی. شاعر در وطن جغرافیایی دلبستگی خود را به زادگاه و شهرهای کشورش به‌تصویر کشیده‌است. این تلقی از وطن که منتقدان ادبیات تاجیک آن را «وطنِ خرد» نامیده‌اند، در دوره شوراه و به‌ویژه تا دهه شصت پیوسته جزئی جدانشدنی از جهان‌وطنی سوسیالیستی در قاب اتحاد جماهیر شوروی بود که «وطنِ بزرگ» نامیده می‌شد. شاعر در وطن تاریخی که در دهه شصت و هفتاد سده بیستم میلادی در ادبیات تاجیک رواج یافت، هرچند نمی‌توانست به دلیل سایه سنگین فرهنگ مسلط شورایی به‌کلی از مفهوم نخست وطن کناره بگیرد، به تاریخ پیدایش قوم خود مراجعه کرد و مفهوم گسترده‌ای را که فرهنگ شورایی از وی گرفته بود، به وطن خود بازگرداند. وی در این راه در دامن جریان شعر ملی‌گرای تاجیک قرار می‌گیرد که با مؤمن قناعت (۱۹۳۲-۲۰۱۸ م.) در اوایل دهه شصت آغاز شده بود و سپس با لایق شیرعلی (۱۹۴۱-۲۰۰۰ م.)، بازار صابر (۱۹۳۸-۲۰۱۸ م.) و شاعر در مقام ضلع چهارم این جریان ادامه یافت. این سیر با تحولات تاریخی شکل گرفته در آسیای مرکزی در دوره معاصر ارتباط تنگاتنگی دارد؛ به‌گونه‌ای که پژوهشگر ناگزیر است در تحلیل‌های خود پیوسته به این تحولات رجوع کند تا بتواند دلایل شکل‌گیری این نوع تلقی از وطن را در میراث ادبی شاعران و نویسندگان این منطقه پیگیری کند. شاعر در وطن فرهنگی که باید آن را ویژه دستگاه اندیشگانی این شاعر دانست و نگارنده در هیچ اثر دیگری نمود آن را نیافته‌است، با تکیه بر شاهنامه فردوسی به تلقی جدیدی از وطن دست می‌یازد. در این تلقی از وطن که ارتباط وثیقی با وطن تاریخی دارد و در واقع ادامه منطقی آن است، تمام آریایی‌نژادان

فارسی زبان را که از پیشینه مشترک اسطوره‌ای و تاریخی برخوردارند و هرچند شهروند کشورهای مختلف هستند- در جایی به نام شاهنامه جا می‌دهد و هم وطن می‌کند.

۱-۲. پیشینه پژوهش و جنبه نوآورانه آن

۱-۲-۱. درباره شعر معاصر تاجیک و گل رخسار صفی‌اوا

پس از فروپاشی شوروی سابق و ایجاد روابط فرهنگی بین ایران و تاجیکستان در سال ۱۹۹۱ م، علاوه بر چاپ ده‌ها نمونه از گزیده شعر و نشر شاعران تاجیک از سال ۱۳۷۲ ش، برخی آثار پژوهشی مستقل نیز درباره شعر معاصر تاجیک در ایران تألیف شده است.^۱ بیشتر این آثار به طور مستقیم مربوط به این پژوهش نمی‌شود.^۲ بسیاری از این پژوهش‌ها، به رغم تلاش پژوهندگان آن‌ها که در جای خود ستودنی است، علاوه بر آنکه حاوی اطلاعات تذکره‌ای و تاریخ ادبیاتی است، به هیچ وجه صبغه دانشگاهی ندارد. کتاب ادبیات فارسی در تاجیکستان، نوشته پرژی بچکا، ایران‌شناس تاجیک، ترجمه سعید عبانزاد هجران دوست و محمود عبادیان (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، ۱۳۷۲) از آنجا که پیش از فروپاشی شوروی تألیف شده است، کاملاً رنگ و بوی نقد مارکسیستی دارد و مطالب آن هیچ کمکی به این

۱. نگارنده در کتاب‌شناسی توصیفی آسیای مرکزی در قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۹۳: ۱۰۹۴ ص) غالب این آثار را در سه بخش «کتاب، مقاله و پایان‌نامه دانشجویی» توصیف کرده است.

۲. در این زمینه می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: گلچینی از اشعار استاد لایق شیرعلی (۱۳۷۲)؛ دست دعای مادر، برگزیده اشعار لایق شیرعلی (۱۳۷۳)؛ روح رخسار، گلچین اشعار لایق شیرعلی (۱۳۷۹)؛ گلچینی از اشعار گل رخسار صفی‌اوا (۱۳۷۳)؛ اشک طوفان، برگزیده اشعار گل رخسار صفی‌اوا (۱۳۷۸)؛ تنهاتر از تنهائی، برگزیده اشعار گل رخسار صفی‌اوا (۱۳۸۸)؛ برگزیده اشعار استاد بازار صابر (۱۳۷۳)؛ شعر غرق خون، بازار صابر (۱۳۷۸)؛ فصل زنانه، بازار صابر (۱۳۸۰)؛ برگزیده اشعار عسکر حکیم (۱۳۷۳)؛ برگزیده اشعار مؤمن قناعت (۱۳۷۳)؛ پیام نیاکان، فرزانه خجندی (۱۳۷۵)؛ سوز ناتمام، فرزانه خجندی (۱۳۸۵)؛ سایه تنهائی، رحمت نذری (۱۳۸۲)؛ عاشور صفر، گلچین اشعار (۱۳۷۶)؛ رویش از سکوت، گلچین اشعار دارا نجات (۱۳۸۵) اشاره کرد.

پژوهش از منظر وطن تاریخی و فرهنگی نمی‌کند. کتاب چشم‌انداز شعر معاصر تاجیکستان، نوشته علی اصغر شعر دوست (تهران: الهدی، ۱۳۷۶) به رغم تازگی مطالب آن در زمان خود برای ایرانیان، هیچ‌گاه در محافل علمی ایران مورد توجه قرار نگرفت. مطالب این کتاب نیز به دلیل آنکه بیست سال پیش به نگارش درآمده، امروزه همان طراوت ژورنالیستی خود را نیز از دست داده است. در سال ۱۳۹۰ کتابی با نام تاریخ ادبیات نوین تاجیکستان (تهران: علمی و فرهنگی)، به نام علی اصغر شعر دوست به چاپ رسید که مطالب آن تماماً از سبک نوشتار گرفته تا محتوا از آثار نویسندگان تاجیکستان اخذ شده است. با این حال، برای کسانی که خواهان آشنایی با ادبیات معاصر تاجیکستان هستند، مفید است. البته مطالب این کتاب نیز از این منظر کمک مهمی به روند این پژوهش نمی‌کند.^۱ در زمینه تحلیل آثار شاعر به تاجیکی از میان پژوهشگران تاجیک تا آنجا که نگارنده خبر دارد استاد خدای نظر عصازاده در کتاب ادبیات تاجیک در سده بیست^۲ (دوشنبه: معارف، ۱۹۹۹) بخش جداگانه‌ای به گل‌رخسار صفی‌اوا اختصاص داده است (Асозода, 1999: 392-407). هرچند بخش یادشده درباره اطلاع از جایگاه شاعر در ادبیات معاصر تاجیک بسیار مهم است، درباره موضع اختصاصی پژوهش، مطلب شایان توجهی ندارد و عمدتاً به معرفی کلی شاعر و آثار منظوم و منثور شاعر بسنده شده است.^۳

۱. در دانشنامه ادب فارسی (ج ۱: ادب فارسی در آسیای مرکزی) به سرپرستی حسن انوشه (ویراست دوم، تهران: وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰) و تذکره از ساقه تا صدر: شعر و زندگی شعری تاجیکستان در قرن بیستم تألیف علی موسوی گرمارودی (تهران: قدیانی، ۱۳۸۴) اطلاعات زندگینامه‌ای شاعران معاصر تاجیک دیده می‌شود. برای اطلاع از نگاه شاعران معاصر تاجیک به ایران، گزیده شعر شاعران معاصر تاجیک با نام ایران در شعر معاصر تاجیک به کوشش علی اصغر شعر دوست (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹) و بوی جوی مولیان: شعر معاصر تاجیک به کوشش رستم وهاب (تهران: انجمن شاعران ایران، ۱۳۹۳) درخور توجه است.

2. *Адабиёти Тоҷик дар Сади XX*

۳. یاسمن نعمتی در بررسی سبک‌شناسانه اشعار گل‌رخسار صفی‌اوا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۱) و ناهید ظهرا بیگی در مقایسه مؤلفه‌های فکری در اشعار پروین

۲-۱. آثار پژوهشی در زمینه مفهوم وطن

مفهوم وطن در معنی جدید در ادبیات معارف پروری تاجیک (۱۸۷۰-۱۹۰۵م)، در آثار احمد دانش بخارایی (۱۸۲۷-۱۸۹۷م) شکل گرفت؛ اما به دلیل حاکمیت خان نشینی در ماوراءالنهر نمود آشکاری در ادبیات نداشت. وطن در دوره جدیدان (۱۹۰۵-۱۹۱۷م) از سوی بنیان‌گذاران ادبیات نوین فارسی در بخارا (ازبکستان امروز)، یعنی عبدالرئوف فطرت بخارایی (۱۸۸۶-۱۹۳۸م) و صدرالدین عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴م) از دهه آغازین سده بیستم تا تشکیل جمهوری تاجیکستان در سال ۱۹۲۴م شروع شد و به یکی از بن‌مایه‌های اصلی ادبیات نوین تاجیک تبدیل شد. با فروپاشی نظام خان نشینی و تشکیل کشورهای پنج‌گانه شورایی در منطقه (۱۹۲۴م)، وطن با چهارچوب فکری مشخص در قالب اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی پا به عرصه ادبیات گذاشت و جایگاه نخست را در میان دیگر مفاهیم به‌دست آورد. از دلایل اصلی پررنگ بودن این موضوع در تاجیکستان، تشکیل پنج جمهوری نوپای شورایی از سال ۱۹۲۴م در این منطقه بر ویرانه‌های فرارودان باستان بود. بدیهی است تاجیکان که از دوره سامانیان بدین سو صاحب دولت مستقلی نبودند، بیش از دیگر کشورهای منطقه به استقبال این موضوع رفتند؛ بنابراین، وطن در دوره شوراهای (۱۹۲۴-۱۹۹۰م) یکی از مفاهیم پرتکرار در شعر تاجیکستان شد. در سال‌های ۱۹۲۴-۱۹۵۳م در کنار ستایش وطن سوسیالیستی (اتحاد جماهیر شوروی سابق)، ستایش وطن و تقدس آن تا ارتقای آن به جایگاه ربوبیت در ادبیات تاجیک نمود برجسته‌ای یافت. حبیب یوسفی (۱۹۱۶-۱۹۴۵) برجسته‌ترین شاعر انعکاس این جنبه از وطن سوسیالیستی بود که با شرکت در جنگ جهانی دوم جان خود را نیز از دست داد. بعدتر دیگر شاعران برجسته تاجیک از جمله میرزا تورسون‌زاده (۱۹۱۱-۱۹۷۷م) و مؤمن قناعت (۱۹۳۲-۲۰۱۸م) نیز در آثار خود که هم‌زمان با سال‌های جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵م) سروده شده بود، به این موضوع پرداختند. وطن

در دورهٔ پسا شوروی در تاجیکستان به دلیل وقوع جنگ شهروندی (۱۹۹۲-۱۹۹۷م) با حذف مفهوم سوسیالیستی آن، به وطن جغرافیایی و تاریخی عطف توجه ویژه نشان داد. در تمام آثار پژوهشی تألیف شده دربارهٔ شعر معاصر تاجیک به این جنبه از شعر تاجیکستان و توجه شاعران و ادیبان تاجیک به آن اشاره شده است.

پژوهش‌های صورت پذیرفته در ایران دربارهٔ موضوع وطن در شعر فارسی، بیش از همه وامدار مقالهٔ دکتر شفیعی کدکنی با عنوان «تلقی قُدا از وطن» (۱۳۵۲: ۱-۲۶) است. پس از تألیف این مقاله، پژوهشگران ایرانی شمار معتناهایی مقاله با این موضوع دربارهٔ شعر مشروطه به رشتهٔ تحریر درآوردند که نیازی به ذکر نام آن‌ها در این پژوهش احساس نشد.

از دیدگاه نظری نیز در ایران دربارهٔ مکتب رمانتیسیم و بنیادهای نظری آن کتاب‌ها و مقالات زیادی تألیف شده است که آثار مکتب‌های ادبی (سید حسینی، ۱۳۵۸)، سیر رمانتیسیم در اروپا (جعفری جزی، ۱۳۷۸) و سیر رمانتیسیم در ایران: از مشروطه تا نیما (همو، ۱۳۸۶) بیشتر از بقیه به موضوع این پژوهش نزدیک است. رمانتیسیم مکتبی ادبی و هنری در اروپا بود که به دنبال انقلاب فرانسه در سدهٔ هیجدهم نضج گرفت و به سرعت در تمام اروپا و بعدتر در سایر نقاط جهان گسترش یافت. یکی از ویژگی‌های اصلی این مکتب بازسازی خاطرات گذشته است: «بازگویی خاطرات و یادهای گذشته‌های ازدست رفته که با حس نوستالژی و حسرت توأم است» (همان، ۲۶۲). تاجیک‌ها که از اقوام آریایی نژاد ساکن در آسیای مرکزی هستند، پس از سقوط دولت سامانیان (۲۰۴-۳۸۹ ق/ ۸۱۹-۹۹۹م)، هیچ‌گاه در این منطقه به تشکیل حکومت و قرارگرفتن در رأس قدرت سیاسی موفق نشده بودند و پیوسته در سایهٔ حکومت‌های ترکان می‌زیستند، هرچند از نظر فرهنگی پیوسته در رأس هرم قرار داشتند. با تشکیل حکومت صفویان در ایران و شیعیان در ماوراءالنهر در آغاز سدهٔ دهم قمری / شانزدهم میلادی، پشتوانهٔ مذهبی این قوم نیز از ایران جدا شد و در نتیجه این قوم بیشتر در معرض هجوم فرهنگ و ایدئولوژی ترکان قرار گرفتند. برآفتادن نظام فئودالی خان‌نشینی در این منطقه و تشکیل جمهوری‌های سوسیالیستی پنج‌گانه در سال

۱۹۲۴م برای نخستین بار پس از نزدیک به نهصد و بیست و پنج سال، امکان تشکیک حکومت به فارسی‌زبانان را در منطقه فراهم کرد. هرچند تا ۲۹ سال پس از این واقعه، کمترین امکانی برای احیای هویت فارسی‌زبانان در سایه دولت به ظاهر مستقل شورایی نیز میسر نشد. با مرگ استالین در سال ۱۹۵۳م زمینه بازگشت به سنت‌های نیاکان در میان اقوام مختلف ساکن در آسیای مرکزی از جمله تاجیکان فراهم شد. این روند در دوره گورباچف (۱۹۸۵-۱۹۹۱م) سیر تکاملی خود را طی کرد و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱م زمینه واقعی بازگشت به سنت‌های نیاکان و خویشن‌شناسی ملی تاجیکان در دوره استقلال فراهم شد. طبیعی است شاعران تاجیک در سایه فضای ایجادشده به سرعت به سمت بازسازی خاطرات ملی خود با هدف هویت‌یابی و عمق‌بخشی به خویشن‌شناسی حرکت کنند. گل‌رخسار صفی‌اوا یکی از پیشتازان این عرصه بود. پس از مؤمن قناعت، نقش وی در کنار لایق شیرعلی و بازار صابر در این زمینه بیش از دیگر شاعران معاصر درخور توجه است. تا آنجا که نگارنده می‌داند بررسی موضوع وطن در قالب اندیشه نوستالژی رمانتیک در هیچ‌یک از آثار یادشده نیامده است؛ بنابراین، هم عنوان کتاب و هم کاربست آن در مجموعه اشعار گل‌رخسار صفی‌اوا نوآورانه است و با تسری در بررسی شعر معاصر تاجیکستان به نتایج گسترده‌تری در این حوزه خواهد انجامید.

۳-۱. روش پژوهش، شیوه جمع‌آوری اطلاعات و جامعه آماری پژوهش

نگارنده این پژوهش را در چهارچوب بنیادهای نظری مکتب رمانتیسم سامان داد و براساس اهداف خود صرفاً مفهوم «نوستالژی رمانتیک وطن» را به مثابه یکی از نمودهای برجسته رمانتیسم در قالب ناسیونالیسم فرهنگی در شعر شاعر بررسی کرد. کامل‌ترین مجموعه اشعار شاعر در ایران و تاجیکستان (تهران: نگاه، ۱۳۹۵، ۷۵۲ص) منبع اصلی نگارنده در این زمینه بود که با استفاده از روش تحلیل محتوا، تمام شعرهای مجموعه که در حوزه این پژوهش (نوستالژی رمانتیک وطن) قرار می‌گرفت، بررسی و در نهایت براساس سه مفهوم جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی از

وطن دسته‌بندی شد.

۱-۴. اهداف پژوهش

۱-۴-۱. تحلیل شعر ملی‌گرای گل‌رخسار صفی‌اوا، بانوی شاعر معاصر تاجیک، در

قالب بنیادهای نظری مکتبِ رمانتیسیم در قالب ناسیونالیسم فرهنگی؛

۱-۴-۲. تبیین هویت فرهنگی شعر معاصر تاجیک از منظر میراث مشترک فرهنگی و

ادبی؛

۱-۴-۳. شناساندن میراث شعری شاعر و تبیین جایگاه شعری وی به مخاطبان

فارسی‌زبان در ایران و جهان؛

۱-۴-۴. معرفی الگوهای هم‌افزایانه فرهیختگان فارسی‌زبان در جهان ایرانی به‌منظور

دستیابی و تحکیم هویت فرهنگی یگانه در حوزه تمدنی مشترک و جهان

فارسی‌زبان؛

۱-۴-۵. آشنا کردن مخاطبان ایرانی با شعر معاصر تاجیک.

فصل دوم

دخترِ زرافشان

(سیری در زندگی و آثار گلرخسار)

۲-۱. زندگی نامه

۲-۱-۱. مقدمه

هفتاد سال جدایی محیط‌های ادبی فارسی‌زبانان در سده بیستم از یکدیگر، ضربات هولناکی را بر پیکره تنومند زبان و ادب فارسی در آسیای مرکزی و به‌ویژه در تنها جمهوری ایرانی تبار تاجیکستان وارد کرد. ابتدا زبان تاجیکی در سال ۱۹۲۴ م به جای زبان فارسی، به زبان ملی فارسی‌تباران جمهوری تاجیکستان انتخاب شد. با این حرکت زمینه دگردیسی‌های بعدی در محتوای این زبان به تبع تغییر بنیادین شکل گرفته در «صورت» آماده شد. زمزمه تغییر الفبا شور و هیجانی در جمهوری‌های تازه تأسیس ایجاد کرده بود تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۲۹ م تمام جمهوری‌های آسیای مرکزی و بسیاری از آن‌ها در دیگر مناطق تحت سلطه، خط لاتین را برای زبان‌های خود برگزیدند. این خط تا سال ۱۹۴۰ م بیشتر دوام نیاورد. در این سال خط سیریلیک به جای لاتین در جمهوری‌ها سر برآورد تا سیاست‌های یکسان‌سازی حزب کمونیستی در سطح اتحاد جماهیر شوروی، با تضعیف هدفمند فرهنگ‌ها و زبان‌های بومی میزبان به منظور قوت و قدرت بخشیدن به فرهنگ و زبان روسی، این میهمان ناخوانده، با موانع کمتری پیگیری شود. این روند تا مرگ استالین در سال ۱۹۵۳ م با شدت تمام و با پاک‌سازی بی‌رحمانه ادامه یافت و نشتر فرهنگ‌فراموشی و گذشته‌سیزی تا عمق

وجود آن‌ها رسوخ کرد و این زبان را از درون تهی کرد و آن را به پیکره‌ای نحیف و در خدمت تبلیغ سیاست‌های حزب تقلیل داد. با روی کار آمدن خروشیف، نسیم آزادی‌های نسبی در سراسر شوروی وزیدن گرفت و نسل «دهه شصتی‌ها» توانستند در محتوای میراث ادبی خود تغییراتی را هرچند محدود ایجاد کنند. ستایش زبان مادری و احیای سنت‌های فرهنگی، زبانی و ادبی هزاران ساله اقوام بومی، به‌ویژه تاجیکستان، نخستین بازنمود خود را پس از ۱۹۲۴ م در این سال در شعر نسل سوم شاعران معاصر در سده بیستم تاجیکستان به تماشا نشست. مؤمن قناعت (۱۹۳۲-۲۰۱۸ م) چراغ این راه را با سرودن شعر «به هوادار زبان تاجیکی» (اوایل دهه شصت) روشن کرد:

قند جویی، پند جویی، ای جناب!

هرچه می‌جویی، بجوی!

بیکران بحری‌ست، گوهر بی حساب

هرچه می‌جویی، بجوی!

فارسی‌گویی، دری‌گویی ورا

هرچه می‌گویی، بگویی!

لفظ شعر و دلبری‌گویی ورا

هرچه می‌گویی، بگویی!

بهر من تنها زبانِ مادری‌ست

چون که مهرِ مادر است

بهر آن تشبیه دیگر نیست، نیست

چون که شیرِ مادر است

زین سبب چون شوخی‌هایِ دلبرم

دوست می‌دارم ورا

چون نوازش‌هایِ گرمِ مادرم

دوست می‌دارم ورا

(قناعت، ۱۳۷۳: ۷۹-۸۰)

پرچمی را که مؤمن قناعت در دفاع از گذشته و احیای موارِیث ایرانی تباران و فارسی‌زبانان پس از پنج دهه خفقان و سکوت در تاجیکستان به‌دوش گرفته بود، با به میدان آمدن لایق شیرعلی (۱۹۴۱-۲۰۰۰م)، بازار صابر (۱۹۳۸-۲۰۱۸م) و گل‌رخسار صفی‌اوا (تولد ۱۹۴۷م) در فضای فرهنگی و ادبی این کشور برافراشته شد و انبوهی از شعرهای ملی‌گرایانه با رویکرد به احیای تاریخ و فرهنگ هزاران ساله از دورانِ ایرانِ باستان تا دورهٔ جدید سروده شد: «مهم‌ترین خصلتی که سروده‌های این نسل ادبیات را بر نسل پیش‌تر امتیاز می‌دهد، افتخار به شهادت و وصفِ تاریخ شکوهمند ملی، به جای تأکید بر مظلومیت و محرومیت است» (وهاب: ۱۳۹۳: ۳۲).

نسل یادشده با درک ارزش‌های دورهٔ فضای باز سیاسی و اصطلاحات اقتصادی و اجتماعی حکومت گورباچف در دههٔ نود (۱۹۸۵-۱۹۹۱م) آهنگ حرکت خود را شتابان‌تر کرد تا آن‌گاه که خود را در سال ۱۹۹۱م در دامان استقلال دید. هرچند پنج سال جنگ شهروندی (۱۹۹۲-۱۹۹۷م) این پرنده را شکسته‌بال و خونین‌دل کرد، محصول آن در این سال‌ها، هم از جهت صورت و هم از جهت مضمون و محتوا میراث ادبی تاجیکستان را مرحله‌ها به پیش‌تر راند، به‌گونه‌ای که شعر تاجیک را می‌توان در مواردی از نظر زبان، ساختمان و محتوا و ارزش‌های موسیقایی و زبان‌شناختی با هم‌تایانش در ایران و افغانستان مقایسه کرد، هرچند هنوز راه‌های طولانیِ نرفته‌ای برای همسری بین این سه شاخه (تاجیکی، دری، فارسی) از یک درخت تنومند باقی مانده است.

۲-۱-۲. نگاهی کوتاه به زندگی گل‌رخسار

گل‌رخسار صفی‌اوا، شاعر، رمان‌نویس، روزنامه‌نگار، پژوهشگر ادبیات عامه و فعال فرهنگی و اجتماعی، از ادیبانِ نسل چهارم معاصر تاجیک در هفتم دسامبر ۱۹۴۷م در روستای یخج، ناحیهٔ کومسومول‌آباد / کامسامال‌آباد^۱ (از سال ۲۰۰۳م نورآباد^۲)، از

۱. برخی منابع تاجیکستان تاریخ تولد وی را هفدهم دسامبر ثبت کرده است:

نواحی تابع جمهوری تاجیکستان، به دنیا آمد. پس از گذراندن آموزش‌های مقدماتی در زادگاهش، در سال ۱۹۶۳ م برای ادامه تحصیل به دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، کوچید و تحصیل در رشته زبان و ادبیات تاجیکی را در دانشگاه ملی آغاز کرد. در سال ۱۹۶۸ م از این دانشگاه دانش آموخته شد. فعالیت‌های ادبی، علمی و فرهنگی شاعر از همین دوره آغاز شد، اما اوج آن را باید به سال ۱۹۷۰ م مربوط دانست. گل‌رخسار در سال ۱۹۷۰ م و در ۲۳ سالگی نخستین مجموعه شعر خود را در دوشنبه با نام *بنفشه و با مقدمه باقی رحیم‌زاده (۱۹۱۰-۱۹۸۰ م)*، شاعر تاجیک، به چاپ رساند. در سال ۱۹۷۱ م این مجموعه با ترجمه روسی در مسکو منتشر شد. عضویت وی در کانون نویسندگان اتحاد جماهیر شوروی و اتحادیه نویسندگان تاجیکستان از همین سال بود. از آن سال تاکنون بسیاری از آثار منظوم و منثور، ترجمه‌ای و پژوهشی وی در قالب ده‌ها اثر علمی، تحقیقی، داستانی و شعری به دو زبان فارسی تاجیکی و روسی در کشورهای تاجیکستان، روسیه و ایران به چاپ رسیده است. شهرت گل‌رخسار در ایران به شاعری است؛ این درحالی است که وی از سال ۱۹۹۰ م با انتشار *رمان زنان سبزه‌بهار*، خود را در مقام نخستین بانوی رمان‌نویس در تاجیکستان و آسیای مرکزی به اهل ادب شناسانده و با انتشار *رمان سکرآت* در سال ۲۰۰۹ م (چاپ به خط فارسی در تهران به سال ۲۰۱۰ م) - که نگارش آن را از زمان چاپ نخستین رمانش آغازیده بود - علاقه خود را به رمان‌نویسی پیگیری کرده بود. گزیده آثار گل‌رخسار، همانند دیگر ادیبان نامدار تاجیک، به بیشتر زبان‌های جمهوری‌های سابق شوروی و برخی دیگر از زبان‌ها از جمله انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، چکی، چینی، اسپانیایی، بلغاری و رومانیایی ترجمه شده است. گل‌رخسار از فعالان حوزه فرهنگ در تاجیکستان و از زنان تأثیرگذار جمهوری‌های آسیای مرکزی به‌شمار می‌رود. (Сомонӣ ва Салӣм, 2014: 1/371; Абдуманнонов, 1988: 392-403; Асозода, 1999: 71-72; شکورزاده, ۱۳۸۰،

(Сомонӣ ва Салӣм, 2014: 71-72; Асозода, 1999: 392-403; Абдуманнонов, 1988: 1/371).

۱. نورآباد از ناحیه‌های تابع جمهوری تاجیکستان است که در حدود ۱۳۵ کیلومتری شرق دوشنبه در وادی رشت قرار گرفته است.

۱ / ۷۶۱-۷۶۲؛ موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۵۶۹-۵۷۴؛ صفی‌اوا، ۱۳۹۳: ۵۴-۸۷؛ صفی‌اوا، ۱۳۹۵ الف: ۷۲۷-۷۳۴).

۳-۱-۲. گل‌رخسار و محیط ادبی ایران

هرچند آشنایی نزدیک و گستردهٔ ایرانیان با تاجیکستان را در دورهٔ معاصر باید به زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و استقلال جمهوری‌های آن در سال ۱۹۹۱ م مربوط دانست، تاجیکان از زمان مهاجرت ابوالقاسم لاهوتی (۱۸۸۷-۱۹۵۷ م) در سال ۱۹۲۲ م به مسکو و سپس اقامت در تاجیکستان از سال ۱۹۲۵ م (Asozoda, 1999: 237-260)، ایران معاصر را بیشتر از دریچهٔ نگاه لاهوتی می‌شناختند. پس از شکل‌گیری جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۴ م در آسیای مرکزی، رفته‌رفته روابط ایران با این منطقه قطع و به مسافرت بسیار محدود هیئت‌های رسمی ایرانی از طریق مسکو ختم شد. با این همه، برگزاری «نخستین سمپوزیوم شعر فارسی» در ۲۷-۲۸ دسامبر سال ۱۹۶۸ م / ۶-۷ دی ۱۳۴۷ ش در شهر دوشنبه در آشنا کردن شاعران محیط‌های ادبی فارسی‌زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان با یکدیگر تأثیر عمیقی بر جای گذاشت. در این همایش شخصیت‌های برجستهٔ ادبی ایران و افغانستان از جمله پرویز ناتل خانلری (۱۲۹۲-۱۳۶۹ ش)، غلامحسین یوسفی (۱۳۰۶-۱۳۶۹ ش)، نادر نادرپور (۱۳۰۸-۱۳۷۸ ش)، لطفعلی صورتگر (۱۲۹۷-۱۳۴۸ ش)، نجیب مایل هروی (تولد ۱۳۲۹ ش در هرات)، خلیل‌الله خلیلی (۱۲۸۶-۱۳۶۶ ش) و دیگران شرکت داشتند. رستم وهاب در مقدمهٔ کتاب *بوی جوی مولیان*، شعر معاصر تاجیکی (تهران: انجمن شاعران ایران، ۱۳۹۳) به ارزیابی این همایش پرداخته و در اهمیت آن نوشته‌است: «موضوع اصلی بحث و بررسی‌ها در آن سمپوزیوم مسائل نظری و علمی شعر نو بود. می‌توان گفت که پس از این همایش، روابط ادبی، به‌خصوص در زمینهٔ تبادل تجارت ادبی و انتشار کتب به‌صورت متقابل وارد مرحلهٔ جدید شد» (همان، ۲۹). با مرگ ژوزف استالین^۱ (۱۸۷۸-۱۹۵۳ م) و روی کار آمدن نیکیتا خروشچف^۱ (۱۸۹۴-۱۹۷۱ م)

تغییرات شگرفی در سیاست‌های فرهنگی داخلی و خارجی شوروی ایجاد شد. نسل سوم ادبیات تاجیک همسو با شاعران و ادیبان سرتاسر شوروی سابق در دههٔ شصت که به «دههٔ شصتی‌ها» معروف هستند، توانستند به آزادی‌های نسبی دست یابند. «نرمش خروش‌چفی» تأثیر مستقیمی در شعر تاجیک داشت و باعث بازگشتِ شاعران تاجیک به بازخوانی ریشه‌های کهن و افزایش شناخت آن‌ها از جریان‌های فرهنگی جاری در ایران و افغانستان شد (همان‌جا). این روند در دههٔ نود سدهٔ بیستم و با روی کار آمدن میخائیل گورباچف (متولد ۱۹۳۱م) و اجرای دو برنامهٔ پسترویکا (بازسازی اصلاحات اقتصادی) و گلاسنوست (فضای باز سیاسی) (شفافیت، آشکارایی) شدت گرفت و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۹۱م به اوج خود رسید و مردمانِ دو سوی جیحون پس از هفتاد سال دوری یک‌بار دیگر به هم نزدیک شدند. نخستین آشنایی گل‌رخسار با شاعران معاصر ایران در آلمان اتفاق افتاد. وی طی سفری که به منظور شرکت در «شب‌های شعر فارسی» در آوریل ۱۹۹۰م / فروردین ۱۳۶۹ش به این کشور رفته بود، در «خانهٔ فرهنگ جهان» با مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۷-۱۳۶۹ش)، محمود دولت‌آبادی (تولد ۱۳۱۹ش)، هوشنگ گلشیری (۱۳۱۶-۱۳۷۹ش)، بزرگ علوی (۱۲۸۲-۱۳۷۵ش)، محمدرضا شفیعی کدکنی (تولد ۱۳۱۸ش) دیدار کرد و با تنی چند از بزرگ‌ترین و شاخص‌ترین نویسندگان و شاعران معاصر ایران آشنا شد. در آن دیدارها، اخوان یک بیت شعر به گل‌رخسار تقدیم کرده بود:

به شام ما غریبان چون شفق گل کرد گل‌رخسار

سما را پر شمیم سَر سنبیل کرد گل‌رخسار

(صفی‌اوا، ۱۳۹۵ الف: ۷۳)

اخوان ثالث در گفت‌وگو با نشریهٔ دنیای سخن به این موضوع اشاره کرده‌است (اخوان ثالث، مرداد و شهریور ۱۳۶۹: ۸-۹). به نظر می‌رسد این گزارش نخستین سند مکتوب دربارهٔ گل‌رخسار در ایران باشد. بعدتر شفیعی کدکنی در کتاب *حالات و*

مقامات م. امید به این دیدار پرداخته و از احساسات ایران دوستانه این شاعر روایتی دل‌نشین ساخته و پرداخته است:

در یکی از روزها رفتیم به برلن شرقی به دیدار بزرگ علوی، یعنی آقابزرگ که خود در شب‌های شعر و قصه، در همه شب‌ها حضور داشت. از ما دعوت کرد به منزلش بریم و رفتیم. با خانم گل‌رخسار، شاعره تاجیکستانی، روز بسیار خوبی بود [...] احساسات ایرانی خانم گل‌رخسار و رای معیارهایی بود که ما در میان خودمان داشته‌ایم و داریم (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۸۰).

شور و هیجان ایجاد شده در نیمه دوم دهه هشتاد در دوره گورباچف، فضای بسیار بازی را در کشورهای اتحاد جماهیر شوروی ایجاد کرده بود. گل‌رخسار این بار و برای بار نخست، با دعوت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ایران در سوم اکتبر ۱۹۹۰ م / یازده مهر ۱۳۶۹ ش در مقام نماینده پارلمان اتحاد جماهیر شوروی سابق به ایران سفر کرد و با کوله‌باری از خاطرات سبز به تاجیکستان بازگشت. به قول خودش در این سفر، زمینه ملاقات هیئتی از ایران را به شوروی در همین سال آماده کرد. در سال شمار زندگی شاعر به این واقعه این گونه اشاره شده است: «میزبانی ضیافت ایران» در کاخ کرملین برای آقای هاشمی رفسنجانی و [سید محمود] دعایی و هیئت همراه (صفی‌اوا، ۱۳۹۵ الف: ۷۳۰-۷۳۱). این سفر انعکاس خوبی در مطبوعات ایران داشت و باعث شد فضای ادبی آن در آستانه فروپاشی شوروی با حال و هوای تاجیکستان بیشتر آشنا شود. نشریه آدینه در شماره ۵۰-۵۱ خود گفت‌وگویی کوتاه با شاعری انجام داد و آن را با نام «گفتگو با خانم گل‌رخسار شاعر تاجیک» (مهر ۱۳۶۹: ۶-۷) منتشر کرد. روزنامه اطلاعات در تاریخ پنج‌شنبه ۵ مهر ۱۳۶۹، گزارشی از دیدار گل‌رخسار از مؤسسه اطلاعات را با نام «دیدار شاعر پارسی‌گوی و نماینده مردم تاجیکستان در پارلمان مسکو» (ص ۳) به چاپ رساند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های پنج‌گانه آسیای مرکزی، روابط ایران با منطقه سیر تصاعدی گرفت و با افتتاح نمایندگی‌های رسمی سیاسی و فرهنگی در میان

کشورها و در خلال گسترش روابط فرهنگی، شناسایی شاعران و ادیبان دو کشور از یکدیگر افزایش چشمگیری یافت. چاپ گزیده اشعار، داستان‌ها، نقدها و مصاحبه‌های ادیبان تاجیک در ایران در دو دهه نخست استقلال به گونه چشمگیری فضای ادبی ایران را برای حضور هم‌زبانان فراموش شده مهیا کرد و در مقابل، میراث ادبی شاعران و ادیبان شاخص ایران را به آن سوی جیحون کوچاند. این تعامل دوجانبه تأثیر مستقیمی در شکل‌گیری جریان‌های مشترک ادبی در فضای فارسی‌زبانان ایجاد کرد؛ به گونه‌ای که زبان ادبی تاجیکان را یک‌بار دیگر به سرچشمه‌های اصلی آن نزدیک کرد و از این طریق ظرفیت‌های جدیدی را در حوزه‌های صورت و محتوا در اختیار آنان قرار داد. بی‌تردید گل‌رخسار صفی‌اوا نخستین بانوی شاعر تاجیک است که به دلیل جایگاه اجتماعی و شهرت ادبی‌اش بیش از دیگر شاعران تاجیک در فضای ادبی ایران شناخته شده و ده‌ها سند درباره میراث ادبی وی به چاپ رسیده است.

توصیفاتی که ما از شخصیت شاعر در مقدمه کتاب‌ها و در خلال گفت‌وگوهایش با مطبوعات ایران دیده و خوانده‌ایم یا دیگران وی را به ویژگی‌ها متصف کرده‌اند، نگارنده بیش از هر صفت و ویژگی برای گل‌رخسار «شورانگیزی و کلام پراحساس» را برجسته یافته است؛ از اخوان ثالث و شفیعی کدکنی گرفته تا علی موسوی گرمارودی و سیمین بهبهانی که هر کدام نخستین مواجهه خود را با وی چه پراحساس توصیف نکرده‌اند. این شور و احساس و شوق و جذبه وقتی خرج بیان هنرمندانه تاریخ و فرهنگ مشترک آریایی‌تباران و فارسی‌زبانان شده، تأثیر صدچندان خود را بر شیفتگان دنیای یگانگی‌ها گذاشته است. تمام زندگی شاعر را می‌توان در همین چند واژه خلاصه کرد: احساس، شورانگیزی، آریایی‌نژادان و وطن مشترک آنان. سیمین بهبهانی در مقدمه کوتاهش بر مجموعه اشعار شاعر (تهران: نگاه، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۷) پس از ذکر دیدار اخوان با وی در تیرماه ۱۳۶۹ ش در آلمان و توصیف «کلام پراحساس و لهجه شیرین» وی از زبان اخوان، درباره شعرهای وی می‌گوید:

از شعرش بگویم: نه غزل است و نه قصیده، نه رباعی و نه قطعه و نه مثنوی و مسمط و نه شعر نیمایی. آمیخته‌ای از همه این‌هاست. چیزی که

خود آن را آفریده و خاص خود اوست [...] آنچه در این سروده‌ها به حد کمال آشناست احساس بسیار قوی آن‌هاست که درک و رابطه همه واژه‌ها را آسان و شورانگیز می‌کند (همان، ۱۶).

اشارات شاعر در شعرهایش منبعی بسیار غنی برای شناخت دغدغه‌ها، آرزوها، جهان‌اندیشگی و خلق و خوی شاعر است. شاعر در «چهارضرب» شخصیت خود را برای مخاطب توصیف می‌کند: مغرور، اما نجیب و بخشنده با قلبی خالی از کینه؛ کسی که هرگز حاضر نیست در مقابل دشمن سر تعظیم خم کند و تسلیم شود. این جنبه از شخصیت شاعر را باید شخصیت اجتماعی و انتقادی شاعر دانست که در جای‌جای اشعارش انعکاس یافته است. اگر ما بخواهیم براساس همین اشعار لقبی برای شاعر انتخاب کنیم «شاعر دردهای ملی» بسیار بجا خواهد بود:

قسمت در اشکِ خود غرقیدن

اندر آه خود ترکیدن

از سوزِ المِ مردن

در این دنیایِ ویرانه

برایم نیست بیگانه

ولی نه در حضورِ میرِ موشان

نه به بزمِ دست‌آموزانِ شیطان

نه به دیدِ گشته میهن‌فروشان، نه! (صفی‌اوا، ۱۳۹۵ الف: ۵۷۶)

شاعر در شعر «اشکِ توفان» به غرور مردانه‌اش این‌گونه اشاره کرده است:

آری، آری،

قصهٔ مردانگی‌ام

یک جهان نامرد را نان می‌دهد ... (همان، ۵۸۰).

شاعر در «سرنوشت» یکسره به ستایش خود و بیان دغدغه‌های زندگی‌اش می‌پردازد و بی‌باکانه فریاد برمی‌آورد:

در عتابِ امتحانِ خودشناسی
با وفا اثبات کردم
که به زیرِ دارها
در پنجهٔ گفتارها
بی‌باک بودن می‌توانم.

در شکنجِ مردمِ خاکی و در تزویرِ ناپاکی
وارثِ افلاک بودن می‌توانم (صفی‌اوا، ۱۳۹۵ الف: ۵۹۰)

با این همه می‌داند سرنوشتی «پیچیده در بلا» دارد و گریزی از این همه درد برای
وی تصور نمی‌توان کرد:

شعر درد است
شعر درد است
نامهٔ اندوم من
جویایِ انسان و جهانِ دیگر است!
شاعری گر سرنوشت است
شاعری گر قسمت است
قسمتی چون قسمتِ من
در بلا پیچیده هست؟ (همان، ۵۹۱).

از ویژگی‌های دیگری که شاعر در شعرش برای خویشتن قائل شده،
عاشقانه‌سرایی‌های وی است، هرچند این عاشقانه‌ها در مقابل شعرهای اجتماعی
شاعر کم‌رنگ‌تر جلوه می‌کنند:

من آن خانه‌به‌دوشم
که دوشِ زبانِ بیانِ همه
پراز نشانهٔ من بود
من آن شاعرِ عشقم

که نامه عاشقانه یک نسل
شعر عاشقانه من بود (همان، ۵۱۰)

۴-۲. سال شمار زندگی شاعر

این سال شمار براساس گفت‌وگوی مفصل شاعر با محمدجواد آسمان در سال ۱۳۸۹ ش (مجله تخصصی شعر، تهران: ۱۳۹۳: ۵۴-۸۷)، زندگی نامه شاعر مندرج در مجموعه اشعار (تهران: نگاه، ۱۳۹۵: ۷۲۷-۷۳۴) و اطلاعات دیگر استفاده شده در منابع پژوهش تنظیم شده است:

۱۹۴۷ م - هفتم دسامبر، تولد در روستای یخچ^۱، ناحیه کومسومول آباد (نورآباد کنونی) تاجیکستان.

۱۹۵۳ م - آغاز تحصیل در مکتب خانه سنتی روستای زادگاه.

۱۹۵۸ م - بیستم آگوست، درگذشت مادر.

۱۹۶۲ م - سرودن نخستین شعر با موضوع بهار؛ چاپ نخستین شعر با موضوع تاجیکستان در روزنامه محلی ناحیه قُرم در پانزده سالگی.

۱۹۶۳ م - آغاز تحصیل در دانشگاه ملی؛ ریاست محفل دانشجویی ادیبان جوان تاجیکستان؛ آغاز روزنامه نگاری در روزنامه جوانان تاجیکستان.

۱۹۶۹ م - آشنایی نزدیک با میخائیل شولوخوف^۲، نیکلای تیخونوف^۳، چنگیز آیتماوف^۴ و دیگر شاعران کلاسیک روسی در اتحاد جماهیر شوروی سابق.

۱۹۷۰ م - انتشار کتاب بنفشه، نخستین مجموعه شعر شاعر در ۲۳ سالگی.

۱۹۷۱ م - انتشار ترجمه روسی کتاب بنفشه در مسکو، برگزیده پنجمین همایش نویسندگان شوروی؛ عضویت در کانون نویسندگان اتحاد جماهیر شوروی.

1. Yakhch

2. Mikhail Sholokhov (1905-1984)

3. Nikolai Tikhonov (1896-1979)

4. Chinghiz Aitmatov (1928-2008)

۱۹۷۳ م - انتشار کتاب *خانه پدر*، برنده جایزه ادبی جوانان تاجیکستان.

۱۹۷۳ م - انتشار کتاب *سرود چشمه سار*، ترجمه برخی از سروده‌های شاعر به زبان روسی.

۱۹۷۵ م - انتشار کتاب *افسانه کوهی*.

۱۹۷۷ م - انتشار کتاب *دنیای دل*.

۱۹۷۸ م - انتشار کتاب *نوروز در مسکو*، ترجمه برخی سروده‌های شاعر به روسی.

۱۹۸۰ م - انتشار کتاب *خلاص*.

۱۹۸۱ م - انتشار کتاب *آتش سغد*؛ انتشار ترجمه روسی کتاب *گهواره سبز* در مسکو.

۱۹۸۲ م - انتخاب به سمت معاونت اتحادیه نویسندگان تاجیکستان (تا ۱۹۸۵ م).

۱۹۸۳ م - انتشار کتاب *کبک‌ها در مهمانی*، ترجمه برخی از سروده‌های شاعر به روسی؛ انتشار ترجمه روسی کتاب *راز افشایی در نیم‌روز* در دوشنبه.

۱۹۸۴ م - انتشار کتاب *گهواره سبز به خط فارسی*؛ انتشار کتاب *از پی آفتاب*، ترجمه برخی از شعرهای شاعر به روسی؛ انتشار ترجمه روسی کتاب *برای تو در مسکو*؛ انتشار کتاب *آیین روز در مسکو*، ترجمه برخی از شعرهای شاعر به روسی؛ انتشار کتاب *فولکور وادی قراتگین* (ناحیه رشت تاجیکستان) در دوشنبه.

۱۹۸۵ م - انتشار کتاب *آیین روز*؛ ترجمه و چاپ کتاب *عروس خون لورکا*^۱ در تاجیکستان؛ انتشار ترجمه روسی کتاب *بغض عشق من در مسکو*.

۱۹۸۶ م - انتشار کتاب *شبنم*.

۱۹۸۷ م - انتشار کتاب *رام‌باختر*؛ تأسیس و ریاست بنیاد فرهنگ تاجیکستان.

۱۹۸۸ م - انتشار کتاب *قصیده کوهستان*.

۱۹۸۹ م - نمایندگی پارلمان اتحاد جماهیر شوروی.